



تهران

■ در سازمان برنامه و بودجه ، در حدود ۲ هفته قبل به کلیه کارکنان سازمان پیشنهاد شده است که دیگر سازمان ، بودجهی پرداخت حقوق ماهیانه کارمندان را ندارد و باید تعطیل شود .

در اثر این خبر ، کارمندان اعتراض می کنند و در نتیجه رژیم از ترس ، سازمان را تحت عنوان " پاکسازی " موقتاً تعطیل اعلام می کند . همچنین قبلاً نامه ای از طرف رجائی فرستاده شده بود دال بر اینکه کارمندان زن باید برگردن شوند . طبق این دستور :

- ۱- زنانی که از ۱ الی ۵ سال سابقه خدمت دارند اخراج میشوند .
 - ۲- زنانی که از ۵ الی ۱۰ سال سابقه خدمت دارند ، بازخرید میشوند .
 - ۳- زنانی که از ۱۰ الی ۱۵ سال سابقه خدمت دارند ، بازنشسته میشوند .
- این از طرفی تأییدی دیگر بر ورشکستگی اقتصادی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ، و سر نوشتی است که در انتظار سایر ادارات دولتی بسر میرود .

از طرف دیگر ، این خبر منتهاالبیه دندگاه ارتجاعی و قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد . با ظاهر شدن آثار ورشکستگی که نتیجه مستقیم سیاستها (و یا بهتر است گفته شود بی مغزی ، بی سواد و بی سیاستی) رژیم جمهوری اسلامی است ، این رژیم قبل از همه حمله را به زنان ، یعنی یکی از کم سازمان یافته ترین بخشهای اجتماع ، آغاز می کند تا هدفی را که از ابتدای رسیدن به قدرت در ذهن داشته متحقق سازد . این نیز چیزی نیست جز فرستادن زنان به کنج خانه ها و آنها را صرفاً مامور " بچه سازی " قرار دادن . این ، علیرغم تمام ظاهر سازیها و شعارها ، تنها تصویری است که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از زنان در ذهن دارد . به اعتقاد سردمداران و عمه اکرهی این رژیم ، تنها

" وظایفی " که زنان به عهده دارند بجه داری و بختن غذاست و این تنها منظور اینان از " مقام والی زن در اسلام " به شمار میرود .
از فردای قیام بهمن تاکنون ، رژیم جمهوری اسلامی چندین بار به عناوین مختلف برای متحقق کردن هدف کشیف خود کوشش کرده و در اینراه حتی از گلوله باران کردن زنان ابایی نداشته است . تجربه همین ۲/۵ سال گذشته همچنین نشان داده است که تنها در صورت مقاومت در مقابل اقدامات فاشیستی رژیم است که میتوان آنها را به عقب راند و وادار به تسلیم ساخت . اکنون نیز که رژیم در ضعیفترین موقعیت خود بسر میرود و در نتیجه چهره وحشی خود را به تمام و کمال به نمایش گذارده است ، تنها راه کسب مجدد حقوق دمکراتیک و از جمله حقوق زنان ، تعرض هرچه وسیعتر در مقابل تمام اقدامات رژیم است . فقط در اینصورت پیروزی قابل حصول است .

■ از سایر اقدامات ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی که حلقه ای از یک زنجیر را تشکیل می دهد ، اعلام اجباری شدن حجاب در اماکن مختلف است . رژیم قرون وسطائی که تاکنون در تلاشهای خود برای اجباری کردن حجاب ناموفق بوده است ، اینک آنها را در دستور آنها ، هتل ها و غیره اجباری اعلام می کند . آخرین اماکنی که تاکنون دیوانگان مسئول " دایره ی مبارزه با منکرات " (صحیحتر است گفته شود " دایره ی ترویج منکرات ") حکمرانی خود را در آن برقرار کرده است پارک های عمومی و همچنین لونا پارک است .

استفاده از پارکهای عمومی مثل ساعی ، ملت ، شویختی و غیره و همچنین اماکنی مثل لونا پارک از جمله آخرین تفریحاتی است که برای مردم زحمتکش ما باقی مانده است . روشن است که افراد مرفه چندان احتیاجی به استفاده از اینگونه اماکن ندارند . بهررو ، با حمله چاقوکشان منکراتچی به پارکها که یک نمونه ی آن در رهاگی های گذشته گزارش شد و بستن موقتی تعدادی از این پارکها که بالاخره زیر فشار مردم مجبور به گشودن

درباره انتشار رهاگی ...

با تشدید جو ترور و اختناق ، در امر انتشار رهاگی نیز اختلالاتی بوجود آمده است . هما نگونه که خوانندگان رهاگی مشاهده کرده اند ، ما در هفته های اخیر به خاطر شرایط فوق موفق به انتشار نه بار در هفته ی آن نشده ایم . بدین خاطر ، اکنون تصمیم گرفته ایم رهاگی را دو بار در هفته منتشر سازیم . بدینیهی است که در اینراه ، همچون گذشته ، کمک رفقا ، هواداران و خوانندگان رهاگی یاری دهندگی ما خواهد بود .

هسته های مقاومت توده ای را سازمان دهیم

اخبار...

مجدد آنها شدند، نوبت به لونا پارک رسید. در دو هفته‌ی اخیر در لونا پارک، از ورود زنان بی حجاب جلوگیری به عمل می‌آمد که ایسن خود باعث ناراحتی بسیاری از مراجعه کنندگان شده بود و ایجاد درگیری، اعتراض و غیره می‌کرد. در این محل حتی از ورود دختران ۹ ساله‌ی بدون حجاب جلوگیری به عمل می‌آید. گذشته از این تعداد زیادی از جاسوسان رژیم نیز در میان مردم پرسه می‌زنند و به حرفه‌ی خبرچینی و مزدوری مشغول هستند.

کار رژیمی که از "لاکراه فی الدین" و "جهان را سراسر با منطق مسلمان می‌کنیم" میزد به جایی رسیده است که منطق چماق و چاقوی خود را آشکارا به نمایش گزاردده است. بهرحال روشن است کسانی که دارای چنان منطق ضعیفی باشند که در ظرف ۲/۵ سال از حکومتشان هرروز تعداد بیشتری از هوادارانشان را از دست بدهند، چاره جز این نخواهند داشت که به چاقو، چماق، زندان و گلوله متوسل شوند. ولی اینان، زمانی که ادعای اکثریت ۹۸/۵ درصدی داشتند چه غلطی توانستند به کنند، که حال در اوج انفسراد بترانند؟

روز ۱۷ مرداد، یکی از مددکاران بیمارستان ممدق توسط کمیته‌ی دادگاههای انقلاب دستگیر می‌شود. بعد از بازرسی کامل اتاق وی در بیمارستان، با او به منزلش رفته و پس از بازرسی به کمیته باز می‌گردند. در آنجا ورقه‌ی سفیدی را که در آن به خمینی ناسزا گفته شده بود، به وی می‌دهند. ضمناً زنی که همان روز صبح برای آزمایش خون نزد وی رفته بود، شهادت می‌دهد که ورقه را همان مددکار به وی داده است. بالاخره، با پیامی مدیر بیمارستان که از حزب الهی های معروفست، این شخص که فرد بیطرفی است به قید ضمانت آزاد می‌شود.

روز بعد یعنی ۱۸ مرداد، مدیر بیمارستان تعداد زیادی نشریه‌های سازمانهای سیاسی مختلف و تعداد زیادی از همان ورقه‌ی ناسزا به خمینی را به دیگران نشان داده و اظهار میدارد که از ورقه‌های مذکور در پرونده‌های کارکنان و نقاط مختلف بیمارستان وجود دارد.

مهاباد

پس از انجام "انتخابات" ریاست جمهوری در روز ۲ مرداد، رادیو مهاباد اخطار کرد که ورود و خروج از شهر فقط با داشتن شناسنامه امکان پذیر خواهد بود. بدنبال این خبر، کنترل بسیار شدیدی بر جاده‌ی مهاباد - بوکان و مهاباد - ارومیه برقرار شد. در ۵ کیلومتری جاده مهاباد - بوکان ۲ ستون نظامی محافظت می‌کند و در هر ۲۰ قدم

یک سرباز مسلح پاتن می‌دهد. روی هر تپه‌ی کوچک و بزرگ نیز تانک و توپ مستقر است. در جاده‌ی مهاباد - ارومیه نیز تا ۱۵ کیلومتری اوضاع بر همین منوال است.

در این جاده‌ها، شناسنامه‌ها بازرسی نشده و به خصوص محل مهر انتخاباتی مرد بررسی واقع می‌گردد. افراد جوان بازرسی میشوند و در صورت نداشتن مهر در شناسنامه این بازرسی بویژه با دقت بیشتری انجام می‌پذیرد.

در موارد متعددی هم مسافریین به علت نداشتن مهر انتخاباتی، بازداشت شده و به مقر سپاه پاسداران برده شده‌اند. در صورت تشخیص بر عدم ارتباط با نیروهای سیاسی، دستگیر شدگان به اجبار به نماز جمعه برده شده و تحت عنوان نادم و عفو شدگان سیاسی آزاد می‌شوند.

در خود شهر مهاباد نیز، کسانی که شناسنامه‌شان فاقد مهر انتخاباتی باشد، امکان دریافت کوپن و آذوقه‌ی جیره‌بندی شده را ندارند.

پس از عملیات موفقیت آمیز پیستمرگان کرد در مهاباد، پاسداران سرمایه فقط در دسته‌های چند نفری و با اتومبیل ریمو ارتشی در شهر به گشت می‌پردازند. البته پرسنل ارتش و شهرنظامی چندان دچار محدودیت نیستند.

با آنکه پاسداران سعی در کنترل کامل شهر را دارند، معیذاً نه تنها اعلامیه‌ها و نشریات سازمانهای سیاسی در شهر پخش میشود، بلکه علاوه بر آن شمارهای انقلابی نیز بر در و دیوار باقی هستند و پاسداران با تمام تلاش خود قادر به پاک کردن تمام شمارها نیستند، و هنوز شمار " مبارزه علیه امپریالیسم جدا از مبارزه علیه سرمایه‌داری نیست" در یکی از خیابانهای اصلی شهر به چشم می‌خورد. البته ترور خفقان فقط متوجه نیروهای سیاسی انقلابی است، و عناصر مشهور حزب توده و اکثریت از آزادی عمل و حمایت پاسداران برخوردارند. هرچه باشد، نیروهای طرفدار سرمایه‌داری یکدیگر را یافته‌اند.

گزارشی...

بیتاز "مستضعفان" و ایجاد "طب ملی" بنفم آنان زده است، ولی در عمل منظور خود را از حفظ منافع زحمتکشان و در این مورد "طب ملی" بوضوح آشکار ساخته است. نمونه‌ی بیمارستان دکتر شویستی در فوق مثال گویایی از این عوامل فریبی های رژیم است.

بنابراین رژیم جمهوری اسلامی نه قصد آن دارد و نه بخاطر ماهیت سرمایه‌داری خود قادر است که طب را بنفم زحمتکشان اداره کند. این امر تنها زمانی ممکنست که کارگران و زحمتکشان خود اداره‌ی امور جامعه را در دست گیرند و نظامی را که در جهت منافعشان باشد، یعنی نظام سوسیالیستی را مستقر سازند.

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی